

موضوع: پیش نیازهای توسعه فضای رقابتی به مناسبت ارتقای شاخص رقابت پذیری کشور در سال ۲۰۱۲		شماره: ۰۰۹ تاریخ: ۱۳۹۰/۸/۲۸
محمد رضا صادقی فروشانی		
توضیح اجمالی: قدر مسلم تنها راه رسیدن به رقم ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی در پایان سند چشم انداز، حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی بعنوان موتور توسعه اقتصادی است. افزایش صادرات غیر نفتی نیز مستلزم افزایش قدرت رقابت پذیری ملی از طریق ارتقاء بهره وری و توسعه خلاقیت و نوآوری در تولید کالاهای صادراتی کشور می باشد.		
وزن و مراحل رقابت پذیری	وزن نیازهای پایه	ارتقاء دهنده کارایی
۱- مرحله اقتصاد عامل محور	۶۰ درصد	۳۵ درصد
۲- مرحله اقتصاد کارایی محور	۴۰ درصد	۵۰ درصد
۳- مرحله اقتصاد خلاقیت محور	۲۰ درصد	۵۰ درصد
وضعیت فعلی ایران در ۲۰۱۲	۵۰/۶ درصد	۴۲ درصد
جمع اوزان	عوامل موجد نوآوری	جمع اوزان
۱۰۰	۵ درصد	۱۰۰
۱۰۰	۱۰ درصد	۱۰۰
۱۰۰	۳۰ درصد	۱۰۰
۱۰۰	۷/۴ درصد	۱۰۰

نکات کلیدی:

برابر پژوهش انجام شده در موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی و همچنین گزارش مجمع جهانی اقتصاد، جایگاه ایران به لحاظ توسعه رقابت پذیری، در حال گذر از مرحله ۱ رقابت پذیری (یعنی اقتصاد عامل محور و خام فروشی) به مرحله ۲ رقابت پذیری (یعنی اقتصاد کارایی محور) می باشد. ویژگی چنین مرحله ای این است که کشورهایی که در حال گذر از یک مرحله به مرحله بعد هستند در صورتی که خود را برای صعود به مرحله بعد آماده نکنند به مان میزانی که در بیرون مرحله ۱ به سوی مرحله ۲ رشد و حرکت می کنند در صورتی که وزن زیر گروه ها را در تخصیص منابع اقتصادی تغییر ندهاد باشند، دچار خسارت و شرایط نامساعد می شوند به نحوی که عوارض ناشی از ورود به مرحله ۲ (نظیر افزایش حقوق کارگران) را دارند اما از مزایای این مرحله که همان ارتقاء کارایی و کاهش هزینه ها برای تامین رقابت پذیری است، برخوردار نمی باشند لذا به تدریج رقابت پذیری خود را از دست می دهند به عبارت دیگر بالغ شدن در هر مرحله ای و خروج به سوی مرحله بعد لزوماً مترادف با رقابت پذیری بیشتر نمی باشد بلکه بدلیل فوق با رسیدن به آخر هر مرحله، میزان رقابت پذیری نیز کاهش می یابد و اگر پیش نیازهای تخصیص بهینه و وزن فاکتورهای مورد نیاز رشد مرحله بعدی فراهم نشود، نتیجتاً شاخص وقدرت رقابت پذیری آنها، عدد کمتری را به خود می گیرد. لذا با عنایت به اینکه توسعه صادرات با بهره وری و توسعه رقابت پذیری با کاهش قیمت تمام شده در یک راستا و لازم و ملزوم هم می باشند دولت و همچنین وزارت صنعت، معدن و تجارت بایستی تمامی تلاش خود را در زمینه تعدیل اوزان و تغییر اولویتها و سیاستگذاری های بودجه ای و تخصیص منابع و هدایت امکانات محدود فعلی از زیر شاخص های اقتصاد عامل محور به سوی سمت دهی منابع و اولویتها به نفع زیر شاخص های اقتصاد کارایی محور یعنی (آموزش عالی، کارایی بازار کالا، کارایی مناسب بازار کار، توسعه بازار سرمایه) مصروف دارند تا برابر انتظاری که از بدنه تولید و صادرکنندگان کشور وجود دارد انشالله پس از رسیدن به مرحله ۲ رقابت پذیری اقتصاد کشور خود را برای فتح قله اصلی رقابت پذیری یا مرحله ۳ توسعه اقتصادی که همان اقتصاد خلاقیت محور می باشد تجهیز نمایند که ابزار اصلی آن نیز عنصر نوآوری از طریق تولید و صادرات با فناوری بالاست.